

ای مسلمانان! اینک مردم غزه را ببینید که چگونه تانک‌ها، هواپیماها و زرم‌پوش‌های یهودی آنان را درهم می‌شکنند و چه جان‌ها و گشتارهای وحشیانه‌ای را به صورت علنی و در برابر چشم‌ها و گوش‌های جهانیان بر تکیب می‌شوند. گرسنگی نیز همانند بمب‌ها و موشک‌ها جان ده‌ها نفر از آن‌ها را گرفته است. پس اکنون دیگر چه انتظاری دارید؟ چرا به یاری آن‌ها حرکت نمی‌کنید؟! آیا منتظرید که آن‌ها همه را رها کنند و به فرار بپردازند؟! آیا شما و آنان برادران دینی و ایمانی نیستید؟ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» «مؤمنان، برادران یکدیگر نند» «إِنَّمَا اللَّهُ سَيَّاحُ وَتَقَالِي نَصْرَتِيَان» «بر شما واجب نکرده است؟ «وَأَن أَسْتَنْصِرُكُمْ فِی أَلَدِینِ فَلَنُکَلِّمَنَّکُمْ» «و اگر شما را در راه دین یاری طلبیدند، بر شماست که آن‌ها را یاری کنید».



در این شماره می خوانید :

تست امنیت جهانی در دوحه... ۲

گام‌های سیاسی مشکوک که خطر را هشدار می‌دهند... ۲

تست‌های عربی، توطئه و سرابی بیش نیستند... ۴

درگیری های طرابلس، غرب در سایه صحنه لیبی... ۴

چهارشنبه ۲۳ ذوالقعدة ۱۴۴۶ هـ، ۲۱ می ۲۰۲۵ م، ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

شماره: ۵۴۸ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

تور ترامپ در خلیج فارس

مهندس باهر صالح

خواندن دلایل سفر رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، به کشورهای خلیج، یعنی عربستان سعودی، قطر و امارات در هفته گذشته دشوار نیست؛ زیرا رویدادهای سفر و پیش‌زمینه‌ها، ملاقات، جلسات و اظهارات همراه آن کاملاً روشن و آشکار بود.

ابتدا باید به چند روز پیش از خروج ترامپ از آمریکا برای سفر به منطقه توجه کرد، زیرا این دوره به وقایع مرتبط با سفر مرتبط است. این سفر پس از روزهای طوفانی در آمریکا انجام گرفت که تقریباً فضا را پس از تصمیم ترامپ به افزایش تعرفه‌های گمرکی بر تمامی کشورهای جهان به ویژه چین، ملتهب کرد؛ تصمیمی که باعث خسارات سنگینی در بازار سهام و اوراق بهادار شد و بازار آمریکا را بمشدد لرزاند. به‌عنوان مثال، بازارهای سهام در وال‌استریت در دو روز متوالی با زیان‌های شدید حدود ۶/۶ تریلیون دلار بسته شدند، پس از اعلام تعرفه‌های جدید گمرکی علیه شرکای تجاری مختلف، شاخص‌های استاندارد اند پورز ۵۰۰ شرکت بزرگ، نزدیک و داو جونز نیز بزرگ‌ترین زیان هنگتی خود را از مارس ۲۰۲۰ ثبت کردند.

پس‌ازآن، بازارهای سهام جهانی سقوط کردند و قیمت نفت کاهش یافت، هنگامی‌که چین تعرفه‌های جدید گمرکی بر تمام کالاهای آمریکایی اعمال کرد و این مسئله نگرانی‌هایی درباره جنگ تجاری گسترده جهانی ایجاد نمود.

بدین ترتیب بازارهای داخلی آمریکا و جهان بمشدد دچار تلاطم شدند و تقریباً فلج شدند، درحالی‌که نگرانی‌ها از ورود اقتصاد آمریکا به رکودی مشابه رکود بزرگ سال ۱۹۲۹ شدت گرفت. بازارها تنها پس از اعلام ترامپ مبنی بر تعلیق موقت ۹۰ روزه تعرفه‌های جدید به‌جز تعرفه‌های وضع‌شده بر چین آرام گرفتند؛ تعرفه‌هایی که بمسرت با چین به توافقی رسید و میزان آن از ۱۴۵ درصد به ۳۰ درصد کاهش یافت. این اقدام به‌عنوان آرام‌سازی نسبی تلقی شد و برای سرمایه‌گذاران نوبیذخش امیدی بود که عقب‌نشینی موقت از تشدید تنش‌ها ممکن است از رکود اقتصادی جلوگیری کند. همچنین تصمیمات ترامپ در خصوص دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی که به‌عنوان تلاش برای گسترش اختیاراتش دیده شد، محبوبیت او را به پایین‌ترین حد از زمان بازگشتش به کاخ سفید رساند، بر اساس نظرسنجی ریتور-ایبیسوس. در چنین فضایی، شرکت‌ات اخیر ترامپ شکل گرفت؛ او پیش از آن به‌طور مستقیم تلاش کرد با اعلام اینکه قصد دارد اعلامیه‌ای «بسیار مهم» درباره منطقه پیش از تور خاورمیانه‌اش بدهد، افکار عمومی و بازارها را آرام کند. این انتظار بیش از سه روز ادامه داشت تا اینکه اعلام کرد قصد دارد قیمت داروها را بین ۳۰ تا ۸۰ درصد برای مردم آمریکا کاهش دهد و اسیر آمریکایی در غزه به نام عیدان الکساندر را آزاد کند.

تور خلیجی ترامپ به‌عنوان تکیه‌گاهی اقتصادی و سیاسی برای بازپس‌گیری محبوبیت داخلی طراحی‌شده بود؛ بنابراین، او در طول سفر به نمایش صنعت‌های سلطه، قدرت و عظمت حتی در کوچک‌ترین جزئیات پرداخت، از جمله سفارش خود و کشورش و ابزار احترام‌هایی که نشان از نیاز به احساس عظمت و سرخوشی داشت، حتی هواپیماهای جت نظامی که در عربستان، قطر و امارات به استقبال او آمدند توسط تیمش فیلمبرداری و منتشر شد. همچنین اقدام جرمانه حکام امارات در تعطیلی مسجد شیخ زاید در روز جمعه برای بازدید ترامپ نیز از نظر او مقتم بود؛ او با شرف گفت: «این نخسین بار است که مسجد یک روز کامل بسته می‌شود. این افتخار بزرگی برای ایالات‌متده و تحلیل غلطی است. از شما متشکرم».

حتی هنگامی‌که یکی از خبرنگاران در پایان سفرش در مقابل در هواپیمای ریاست جمهوری تلاش کرد او را رستمسار و دست‌پاچه کند و پرسید: «آیا از سطح هدایت اعزامی روس‌ها به ترکیه ناامید شده‌اید؟» او پاسخ داد: «من هیچ اطلاعی درباره هیئت ندادم، از هیچ چیز ناامید نیستم. چرا باید ناامید باشم؟ ما همین حال ۴ تریلیون دلار به دست آوردیم!».

ادامه صفحه ۳

جواب سوال

هند و پاکستان و توقف آتش‌بس

عالم گر انقدر عطا بن خلیل ابوالرشته



سؤال: ترامپ دیروز شنبه به‌طور ناگهانی در پستی در پلتفرم تروث سوشیال اعلام کرد «بعد از یک‌شنب طولانی مذاکرات که در آن ایالات‌متحده میانجی‌گری کرد خوشحالم اعلام کنم که هند و پاکستان بر سر یک آتش‌بس جامع و فوری توافق کردند، به تمجید بر دو کشور به‌خاطر روی آوردن به منطق سلیم و هوش عظیم ... الجزیره، ۲۰۲۵/۵/۱۱». شدت تنش میان هند و پاکستان در پی حمله‌ای که ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ در وادی بایساران در منطقه بهاله‌گام در جامو و کشمیر تحت اداره هند به گردشگران صورت گرفت و به کشته شدن ۲۵ هندی و یک نالی منجر شد افزایش‌یافته بود. ۲۳ آوریل ۲۰۲۵ هند تعلیق اجرای توافقاتمه آب‌های رود سند را که در سال ۱۹۶۰ منعقدشده بود به‌عنوان بخشی از مجموعه اقدامات تنبیهی علیه پاکستان اعلام کرد. در واکنش پاکستان تعلیق اجرای توافق شیملا ۱۹۷۲ را که روابط دوجانبه را تنظیم می‌کند اعلام کرد. در ۷ مه هند اجرای عملیاتی نظامی تحت عنوان «عملیات سیندور» را اعلام کرد سپس پاکستان پاسخ داد و اکنون همان‌طور که ترامپ اعلام کرده است وساطت آمریکا در توقف آتش‌بس موفقیت‌آمیز بوده است. پرسش این است که حقیقت این تنش و درگیری چیست؟ دقیقاً توافقاتمه آب‌های سند که هند موقتاً آن را تعلیق کرده چیست؟ آیا آمریکا در آغاز حمله دخیل بوده همان‌طور که در توقف آن دخیل است؟

پاسخ: برای روشن شدن پاسخ این پرسش‌ها باید ۲- پس از به قدرت رسیدن مودی در هند در سال ۲۰۱۴، آمریکا از هند به‌طور مؤثر برای افزایش فشار بر چین، مپاران و جلوییکی از تسلطش بر مناطق اطرافش

۱- حزب بهارتیا جاناتنا که به رهبری اتال بیهاری واپی در دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ به قدرت رسید و سپس ده سال پس از حکومت حزب کنگره (عامل بریتانیا)، دوباره با ریاست ناریندرا مودی در سال ۲۰۱۴ به قدرت بازگشت، حزب است که در چارچوب استراتژی اوراسیایی آمریکا یعنی به‌منظور مقابله با چین و مپار آن حمایت می‌شود. واضح است که منافع فوری آمریکا در شرق دور عامل پیروزی هندوکرای متعصب مودی در سال ۲۰۱۴ بوده و همچنان از او پشتیبانی می‌کند. ناریندرا فروختمشده در ایالات‌متحده را به هند منتقل کند، مودی همواره منافع آمریکا را محقق کرده است، طبق گزارش روزنامه فایننشال تایمز... یورونیوز، که در الحاق جمور و کشمیر در سال ۲۰۱۹، که در ۲۰۱۶/۵/۲۶) بدین ترتیب، در چارچوب استراتژی خود درگیری‌های مرزی با چین در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ برای مقابله با چین، ایالات‌متحده کوشیده جایگاه و ۲۰۲۰، که در افغانستان و چه در نکام گذاشت. هند را به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی در منطقه گذرگاه اقتصادی چین-پاکستان.

آیا مردم غزه تنها اعداد و ارقام شده‌اند یا واقعا اهل اسلام‌اند؟!

اکنون روزانه ده‌ها و حتی صدها شهید در غزه می‌شماریم، برخی از آنان به تکه‌پاره‌هایی تبدیل‌شده‌اند که شناسایی نمی‌شوند. در برخی از کشتارها، چسبدها را در کیمسه چپ‌وای کرده و تعداد شهدا را بر اساس وزن می‌سنجند؛ ۷۰ کیلوگرم برای بزرگسال و ۱۸ کیلوگرم برای کودکان!

آیا مردم غزه صرفاً ارقام و آمار شده‌اند؟! آیا ارزش و جایگاه ما تا این حد کاهش‌یافته است؟! آیا خون مسلمانان تا این اندازه بی‌ارزش شده است؟! آیا این خون‌ها، این تکه‌پاره‌ها و این تعداد فراوان شهدا پیش امت اسلام بی‌حرمت است؟! درحالی‌که حرمت این خون‌ها نزد الله سبحانه‌وتعالی از حرمت کعبه بزرگ‌تر است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حدیثی که ابن عمر نقل کرده است می‌فرماید: «خیمه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دور کعبه طواف می‌کرد و می‌فرمود: چه خوشبوی داری و چه بوی خوشی داری! چه عظیم هستی و چه عظیم است حرمت!؛ سوگند به آن کسی که جان محمد به دست اوست، حرمت مؤمن نزد الله سبحانه‌وتعالی از حرمت تو بالاتر است، مال و خون او و اینکه جز خیر دربارش ننداریم». (حدیث ابن ماجه) همچنین ابن عباس روایت کرده که وقتی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به کعبه نگاه کرد، گفت: «خوش‌آمدی ای‌افانه، چه عظیم هستی و چه عظیم است حرمت و حرمت مؤمن نزد الله سبحانه‌وتعالی از تو عظیمتر است». (حدیث بیهقی)



در پی شدت گرفتن کشتارهای دیوانه‌واری که یهود در نوار غزه مرتکب می‌شود، دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر در سرزمین مبارکه فلسطین بیانیه‌ای مطبوعاتی صادر کرد و گفت: اینک غزه بار دیگر در آتش می‌سوزد، قتل و کشتار در آن بمشدد افزایش‌یافته و مردم شمال غزه در اثر قتل و آتش‌سوزی‌ها آواره شده‌اند و پناهگاهی برای پناه‌بردن نمی‌یابند، دشمن عرصه را بر آنان چنان تنگ کرده که مردم با زبان حال و حتی زبان قال فریاد می‌زنند: «کجا برویم؟!».

در ادامه آمده است: آزادکردن اسیر نظامی یهودی، «عیدان الکساندر»، هیچ سودی برای غزه نداشت، با وجود تلاش‌هایی که قطر به دستور آمریکا برای آزادی او به کار بست، وزیر خارجه قطر آن را دستاوردی دانست که به ارباب خود، ترامپ، تقدیم می‌شود؛ هدیه‌ای افزون بر تریلیون‌هایی که از اموال مسلمانان غارت کرده است؛ اما مردم غزه از آزادی او چیزی جز چند ساعت اراضش هنگام تحویلش به دست نیاروردند و پس‌ازآن بهای آن را چندین برابر پرداختند. نه جلسات ترامپ، نه اجلاس سرانی که در آن با حکام سفیه وایله دیدار کرد آنان که تریلیون‌ها دلار به ارباب خود تقدیم کردند هیچ‌کدام برای غزه سودی نداشت، بلکه اصلاً اسمی از غزه برده نشد، با اگر همه برده شد، ذکری گذرا که به فراموشی شبیه بود. آنان مست و مغرور برای جشن گرفتن به کسی بودند که اموالشان را به غارت برده و کرامتشان را با خاک یکسان کرده و به استقبال او می‌فرستاد؛ غریز رخمی را ترامپ نجات نخواهد داد؛ همان کسی که گفت اندکی غذا به غزه خواهد داد و آن را بیان نکرد؛ بلکه با منت و اذیت گفت و در میدان عمل چیزی نداد، جز سلاح و بمب‌هایی که مباح و شام با آن مسلمانان را می‌کشد. او با روی خوش، درحالی‌که تا کامان با و قاحت و پستی کامل اموال مسلمانان را به او تقدیم می‌کنند، و ترامپ بر آنان می‌خندد و از سفاهت آنان شادمان است.

غزه را حکامی نجات نخواهند داد که به پایین‌ترین درجه سفاهت سقوط کرده‌اند؛ همی آن‌ها می‌دوند به رضایت دشمن را به‌دست آورند، حتی اگر به قیمت تسلیم کشور و ثروت‌هایش باشند؛ بلکه تسلیم‌کردن کشور و ثروتش خواستنی خود آن‌ها باشد، پیش از آنکه از سوی آمریکا تمویل شود. همان‌گونه که «محمد الشرح» دعوت ترامپ برای سرمایه‌گذاری در نفت سوریه را داد.

غزه را حکامی نجات نخواهند داد که کافر برای حال او می‌گریزد و دوشانش نمی‌گیرند، کر و کور نیز فریادهایش را می‌شنود و می‌بیند، ولی آن‌ها نمی‌شنوند و نمی‌بینند! گویا آنان از یهود به ریختن خون ما شادند، گویی با زبان حالشان به یهود می‌گویند: بکنیشتان، گرسنه‌شان کنید، بسوزانیشان! گویی با مردم غزه و حتی با مسلمانان و با اسلام دشمن‌تر از یهودند و اینها همان‌هایی هستند که حاضر را بر غزه تحویل کرده و به یهود در جنگش یاری دادند، همچون کسی که در میدان نبرد همراه شریک خویش است.

بیانیه مطبوعاتی در پایان چنین می‌گوید: حال امروز غزه به مرحله‌ای رسیده که دیگر مجال تأخیر نیست و امیدی به تعویق نیست. اگر امت با تمام امکانات خود، علما و عموم مردم خود، احزاب و جنبش‌هایش و تمام قدرت و ظرفیتش به حرکت هماهنگ و هدفمندی که از حاکمان عبور کند و تخت‌پایشان را در هم بکوبد، برنخیزد و ارتش‌ها را برای یاری برادرانشان به حرکت در نیارورد، آنکاه مسوولیت غز را بر سنگینی خواهد بود که در روز قیامت موش امت را خواهد شکست.

به غزه به‌دست‌هایی نیاز دارد که به هیچ نیرویی جز نیروی الله سبحانه‌وتعالی تکیه ندارند، به کسانی که دنیا و ماعاش را پشت سر افکنده‌اند و فریاد می‌زنند: «بشتابید برای جهاد» «بشتابید برای آزادسازی بیت‌المقدس» «بشتابید برای یاری‌رساندن به مردم غزه» «بشتابید برای درهم‌کوبیدن آنچه یهود بر آن چیره شده‌اند» و «بشتابید برای آنچه الله سیانه و تعالی به آن وعده داده است».

نشست امنیت جهانی در دوحه

استاد اسعد منصور

نشست جهانی امنیت دوره هفتم خود را در روزهای ۲۸ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ در دوحه با عنوان «تأثیر بازیکران غیردولتی بر امنیت جهانی» برگزار کرد. مرکز ارتباطات دولتی قطر در صفحه خود نوشت که این نشست «پیش از ۱۴۰۰ شخصیت برجسته از جمله رهبران جهانی، مقامات دولتی، وزرا، کارشناسان و دانشگاهیان از حدود ۶۰ کشور را گرد هم آورده است تا مهم‌ترین چالش‌های امنیتی جهان را بررسی کنند».

نشست از سال ۲۰۱۸ آغازشده و رویدادی سالانه است که به‌عنوان یک بستر بین‌المللی معتبر برای گفت‌وگو میان نخبه‌های تصمیم‌گیر و کارشناسان در حوزه‌های مختلف شناخته می‌شود. این نشست توسط آکادمی قطر بین‌المللی مطالعات امنیتی و مرکز سوفان با همکاری چند نهاد از جمله دبیرخانه اجرایی کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، بنیاد آمریکا نوین، دانشگاه ایالتی آریزونا و وبسایت دیفینس وان سازماندهی می‌شود. مرکز سوفان که مقر آن در نیویورک است، موسسه‌ای است که توسط یک مأمور اطلاعاتی آمریکایی تأسیس‌شده و مجله نیویورک دربارش نوشته است که این موسسه پیش از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اطلاعاتی درباره آن‌ها افشا کرده بود ولی دستگاه اطلاعاتی آمریکا همکاری با آن را نپذیرفته است.

هدف اصلی این نشست، تثبیت جایگاه دوحه به‌عنوان مرکز پیشرو برای گفت‌وگو استراتژیک امنیتی و همکاری بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های مشترک امنیتی است. محمد بن عبدالرحمن، وزیر خارجه قطر، در افتتاحیه نشست ۲۰۲۵ گفت: «با تجربه‌های متعدد خود در میانجی‌گری و حل منازعات، قهیم‌دایم که ساختن صلح واقعی نیازمند بازکردن کانال‌های گفت‌وگو میان همه طرف‌های موثر است».

مرکز ارتباطات دولتی قطر در تاریخ ۲۰۲۵/۴/۳۰ اعلام کرد: «نشست جهانی امنیت دوره هفتم خود را که به مدت سه روز در دوحه برگزار شد به پایان رساند. این دوره شاهد بحث‌های سطح بالا با حضور نخبه‌ای از رهبران جهانی، مقامات دولتی، متخصصان امور امنیتی و دانشگاهیان از سراسر جهان بود. مباحث امسال نشست بر چالش‌های ناشی از فعالیت بازیکران غیردولتی مانند گروه‌های تروریستی فراملی، شرکت‌های نظامی خصوصی، سازمان‌های جانی و مجرمان سایبری و تأثیر آنها بر تشدید منازعات بین‌المللی، اختلال در نقش‌های میانجی‌گری و دیپلماسی، تهدید امنیت سایبری و فعالیت‌های بشردوستانه متمرکز بود».

عدم امنیت از این نکات روشن می‌شود: ۱- این نشست متشکل از نهادهای امنیتی آمریکایی است که برای حفظ نفوذ و برتری آمریکا در منطقه و جهان فعالیت می‌کنند و مسئولان و کارشناسان بسیاری از کشورها را برای جمع‌آوری نظرات و اطلاعات دعوت می‌کنند.

۲- هدف آن حفظ نظام‌های موجود در منطقه و جهان وابسته به آمریکا تحت عنوان حفظ امنیت، ثبات و صلح است.

۳- امسال بر تأثیر بازیکران غیردولتی بر امنیت جهانی تمرکز شد. با هدف مقابله با «گروه‌های تروریستی فراملی» که منظور آن‌ها گروه‌های اسلامی هستند که نفوذ آمریکا و غرب را تهدید می‌کنند. آنان معتقدند تنها کسانی که در حال تغییر واقعیت منطقه و جهان هستند، گروه‌های اسلامی طرفدار برپایی خلافت‌اند که گاه به تعبیر سیاسی و گاه به تروریسم و افراط‌گرایی تعبیر می‌شوند. در این نشست‌ها روش‌ها و راهکارهایی برای جلوگیری از تحقق آن‌ها تبادله نظر می‌شود. این موضوع بر گزارش‌ها و بیانیه‌های متعدد، از جمله هشدار نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تاریخ‌های ۲۱ و ۲۰۲۵/۴/۲۳، مطرح‌شده است.

۴- قطر این نشست را برگزار می‌کند تا نقش خود را که غرب برایش تعیین کرده، تقویت کند؛ یعنی به‌عنوان «پیشگام گفت‌وگو» استراتژیک امنیتی و همکاری بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های امنیتی مشترک و به‌عنوان میانجی در حل منازعات برای دستیابی به امنیت در منطقه و

نبردی سرنوشت‌ساز میان اسلام و کفر است

نبردی سرنوشت‌ساز میان اسلام و کفر در جریان است و وظیفه امروز مسلمانان انتقام کشیدن برای فرمان حاکمان جهت بسط ارتش‌ها نیست؛ زیرا این امید بیهوده است. آنان خیانت و دشمنی خود را نسبت به امت و مسئله حیاتی آن نشان داده‌اند. بلکه وظیفه است که ارتش‌ها و نیروهای توانمند امت را برای بیعت با حاکم مومن و مصادیق یعنی خلیفه راشد که پشتوانه و حامی آن‌ها باشد، به پا داشت. در آن زمان ارتش‌های مسلمان برای یاری اسلام به حرکت درخواهند آمد.

ای مسلمانان! پیشوای راستین هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید و حزب‌التحریر مصادقانه به شما این پیام را رسانده و نصیحت خالصانه عرضه کرده است؛ و شما را به یک‌چیز پند می‌دهد: هر کس که از جنایات پیود در غزه، یمن و سایر کشورهای اسلامی به خروش آمده و خودش به دلیل رفتارهای وحشیانه پیود در ظلم و ستم به زن، کودکان و سالمندان در غزه، سوزاندن سرسبزهای، محاصره و گرسنگی آنان به جوش آمده است، باید برای یاری برانگیزد و مؤمنانه همراه حزب‌التحریر برای برپایی حاکم مومن، مجاهد، خلیفه راشد که پشتوانه او باشد و از او پروا کند، تلاش و کوشش کند. تنها راه‌هایی غزه، نابودی رژیم پیود و بازگرداندن فلسطین کامل به خانه اسلام و سپس گسترش اسلام به سراسر جهان است تا آن را از ظلم و جور سرایم‌های، به عدالت و رحمت اسلام پیرون آورد. «هَذَا بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَهُوَ وَفَوْقَهُ لِنَفْتَنِ» (این بیانی برای مردم، راهنمایی و پند برای رهیزگران).

کام‌های سیاسی مشکوک که خطر را هشدار می‌دهند

استاد مصطفی سلیمان

رفتار کنونی رهبری دمشق، شامل گرایش مشکوک به سفارت‌های خارجی و سفارت‌های ابرازهای منطقه‌ای آن‌ها، نزدیک شدن به چهره‌ها و هم‌دستان نظام ساقط‌شده و به‌کارگیری برخی از آن‌ها در ارکان دولت و جستجوی حامی جایگزین در میان آن‌ها، تحولی خطرناک است که پیامدهای وخیمی برای دوران پس از سقوط بشار و سرنوشت کل سوریه به همراه دارد. این سیاست مشکوک هم‌زمان با کنار گذاشتن مجاهدانی است که جان خود را برای حمایت از انقلاب شام وقف کرده‌اند، کسانی که پس از الله سبحانه‌وتعالی، سهم بسزایی در رساندن این رهبری به کاخ دمشق پس از سقوط رژیم جانیاتگر اسد داشتند.

این رویکرد خطرناک نه‌تنها خیانت به فداکاری‌های این مردان است که با خون خود پیروزی را رقم زدند و نه‌تنها خیانت به بستر انقلابی است که در طول سال‌های انقلاب زحمات فراوانی کشید، بلکه لغزش خطرناکی به دام بزرگی است که نیروهای خارجی برای آن پهن کرده‌اند: هدف از این دام تضعیف بیشتر رهبری کنونی، سلب حمایت مردمی از آن و در نهایت بی‌پناه کردن آن در برابر دشمن این انتظار مرگ حتمی است.

این وضعیت سؤال‌های عمیق و نگران‌کننده‌ای در میان مجاهدان، انقلابیون و بخش گسترده‌ای از مردم شام ایجاد کرده است: آیا پیروزی‌ای که الله



سبحانه‌وتعالی به ما ارزانی داشته، واقعاً نمایانگر آرمان‌ها و امیدهای دولت جدید است؟ آیا آنچه حاصل‌شده وفاداری به خون شهید و فداکاری‌های مجروحان و زندانیان است؟ یا ما با پیروزی ناقص و بی‌محتوا روبه‌رو هستیم که شاید به پسرقت تبدیل‌شده و فقط با شعارهای پیروزی پوشانده شده است؟

سیاست‌های کنونی در دمشق که نشانه‌هایی از فاصله گرفتن از ارزش‌های انقلابی و وابستگی به نیروهای خارجی را به همراه دارد، باعث از دست رفتن حاکمیت و استقلال رهبری فعلی می‌شود و توانایی آن را در اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز که به نفع کشور و عقیده مردم آن باشد، کاهش می‌دهد. همچنین وابستگی آن به قدرت‌های بین‌المللی را تثبیت می‌کند که سوریه را صرفاً عرصه‌ای برای خرد اصلی می‌دانند؛ جایی که نگرانی آن را در برابر حکومت اسلامی در سرزمین شام شدت یافته است. به همین دلیل، آمریکا، پیروانش و رقابتش تلاش می‌کنند تا دست برتر را در سوریه داشته باشند و منافع خود را تأمین کنند.

این پیشروی به‌سوی آشوب کشورها و سفارت‌هایشان به بهانه جستجوی حمایت، خلافت با قدرت قابل توجیه نیست؛ زیرا قدرت به‌زور گرفته می‌شود، نه طلبیده به هدیه شده از سوی دشمن. رهبری کنونی دمشق از لحظه به دست گرفتن قدرت، برنامه سیاسی شخصی جایگزین نظام بشار نداشت، آمادهمساز واقعی برای مدیریت

آنچه در سرزمین حرمین رخ داده، امری خطرناک است که نباید

نسبت به آن سکوت کرد.

ولیعهد سعودی، بن سلمان، همانند زمانی که ثروت‌ها و منابع سعودی را فروخت، اکنون در حال فروش ثروت‌ها و منابع سوریه است؛ چیزی را می‌فروشد که مالک آن نیست و به کسانی می‌فروشد که شایسته نیستند؛ زیرا این ثروت‌ها و سایر مالکیت‌های عمومی، ملک مسلمانان است و خلافت اسلامی بر استخراق و توزیع آن میان شهروندان دولت نظارت دارد. دادن امتیازات یا انعقاد معاهداتی که به مالکیت‌های عمومی از جمله نفت، گاز، معادن و غیره مربوط می‌شود، مجاز نیست.

آنچه در عریستان اتفاق افتاده، امر خطرناکی است که نباید از آن چشم‌پوشی کرد یا سکوت نمود. هر کس که واقعیت آمریکا و ماهیت آن و همچنین روحیه تراپ را بشناسد، خطر این اتفاق را درک می‌کند؛ تراپی سرمایه‌دار که تنها یک هدف سیاسی نداشتند؛ غارت ثروت‌ها و تحکیم ملت‌ها و حکومت سلطه آمریکایی.

تسلیم شدن به تلاش‌های آمریکا برای تحمیل توافق‌های عادی‌سازی با رژیم پیود و کوشش برای اعمال «توافقات‌های ابراهیم» لغزشی بزرگ و خفیه است که باید با تمام توان در برابر آن ایستاد. مسئله فلسطین مسئله‌ای اعتقادی و دینی است و مربوط به همه مسلمانان است و هرگز نمی‌توان به‌هیچ‌وجه از آن چشم‌پوشی کرد یا آن را به بهای حفظ قدرتی ناروا فدا نمود که صاحب آن نیز هیچ‌گاه بر آن استوار نخواهد ماند جز برای مدتی کوتاه.

سیاست گستاخانه رئیس‌جمهور آمریکا، تراپ، نباید مانند رفتار حکام کشورهای مسلمان به تسلیم و رهاکننده ثروت‌ها، منابع و حاکمیت مسلمانان هستند پاسخ داده شود؛ بلکه باید موضع اصولی گرفته شود که دین اسلام و احکام شرعی از ما می‌طلبد و در راه الله سبحانه‌وتعالی نباید از سرزنش هیچ ملامتی بیم داشت.

ادامه : هند و پاکستان و توقف آتش‌بس

داده شود و به شیوه سیاسی با استفاده از مکر و فریب اهداف خود را از طریق مذاکرات میان دو حکومت وفادار به خود محقق کند. ۵- در پایان، خبرات‌تجربیه به مسلمانان به‌ویژه مردم پاکستان هشدار می‌دهد که این مکر سیاسی و مذاکرات با دشمنان اسلام و مسلمانان، به‌ویژه مشگراکن هند در هند و به‌ویژه در فلسطین، ثمری نخواهد داشت، خصوصاً زمانی که این مذاکرات زیر نظر آمریکا، آن‌ها را به استعمارگر کافر، اداره می‌شود، چنان‌که اکنون شاهدیم. آنان در هر زمان و مکان با الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌جنگند؛ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به ما خبر داده است که با آنان جهاد خواهیم کرد و بر آنان نصرت خواهیم یافت و در این راه پادشاه عظیمی نبفته است. در صحیح مسلم از ابن عمر از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین روایت آمده است، «بی‌تردید با یهود خواهید جنگید و قطعاً ایشان را خواهید کشت...» نیز احمد و نسائی از ثوبان مولى رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: «دو گروه از ائمه هستند که الله سبحانه‌وتعالی آنها را از آتش حفظ خواهد کرد؛ گروهی که به فتح هند خواهند شتافت و گروهی که همراه عیسی بن مریم علیه‌السلام خواهند بود.» پس جنگ با یهود در فلسطین و کشتن آن‌ها و نیز غلبه بر هند و استقرار اسلام در آن مناطق، به‌اذن‌الله سبحانه‌وتعالی و محقق خواهد شد؛ زیرا این فرمایش راستگو و مورداعتماد صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، الله سبحانه‌وتعالی حاکم کرده است که نصرت را از آسمان به ما نفرستد و آن را فرشتگان به‌مومتز آمده در زمین نازل کنند، بلکه ما باید عمل کنیم، تلاش کنیم، جهاد کنیم و در کار خود صداقت و اخلاص را بجویم. به این ترتیب، بی‌گمان نصرت الهی با اراده او فرا می‌رسد. ما مردم پاکستان بشارت خبر می‌گیریم؛ کشوری اسلامی، توانا، با ریشه‌های عمیق و احساسات پرشور اسلامی، ارتشی که دوستدار جهاد در راه الله سبحانه‌وتعالی است و از برای برپایی خلافت در دل‌های مسلمانان آن اوج گرفته است. به‌اذن الله سبحانه‌وتعالی زمان زیادی نمی‌گذرد تا باری موعود که اهلش را خوار نمی‌سازد محقق گردد. در مسند احمد از حذیفه روایت‌شده است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «سپس حکومتی جبری پدید می‌آید که همان خواهد شد که الله سبحانه‌وتعالی بخواهد؛ آنگاه هرگاه بخواهد آن را برمی‌چیند؛ سپس خلافتی بر منج نبوت برپا می‌شود؛ سپس سکوت کرد» و سپس مؤمنان شادان می‌شوند: «وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَخُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنُصْرٍ اللَّهُ يُنْصِرُ مَنْ يُشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» «و آن روز مؤمنان را یاری‌الله سبحانه‌وتعالی شادمان خواهد شد؛ خدایی که هر که را بخواهد یاری می‌رساند و او عزیز و رحیم است».

ادامه : تور ترامپ در خلیج فارس

خواست به توافقنامه‌های عادی‌سازی ابراهیمی پیوندند و به سمت صلح در منطقه با رژیم اشغالگر فلسطین بروند، موضوعی که حکام از جمله رئیس‌جمهور سوریه، حامد الشرح، به‌مشترک مناسب بودن زمان، ابراز تأمل کردند. همچنین ترامپ به آن‌ها اجازه داد که در ازای تعهد به مبارزه با جهادی‌ها، حرکت کشور به‌مسوی قانون اساسی سکولار و عادی‌سازی روابط با رژیم یهود را پذیرفته و تحریم‌های سوریه برداشته شود. در طول سفر، ترامپ تلاش کرد تا تمام حکام را در حال نشاندن وفاداری و اطاعت از خود به تصویر بکشد. این سفر پر از خورای، خفت و کوتاهی بود؛ کوتاهی در حق اموال مسلمانانی که حکام به‌واسطه آن‌ها را به غارت برده‌اند و خورای و بستنای که حکام در برابر بزرگ‌ترین قاتل مسلمانان، ترامپ، نشان دادند. آن‌ها او را همانند عزیزان و قهرمانان با فرش‌های قرمز و بنفش، هواپیماهای جت و رقص و پایکوبی دختران و پسران مسلمان استقبال کردند و امیران کشور، زنان و درباریان را گرد هم آوردند تا سرپوشایشان را در برابرش با نهایت ذلت و خورای خم کنند. درحالی‌که یهودیان همچنان جنگشان را علیه غزه با پول، اسلحه و حمایت آمریکا ادامه می‌دهند. همان زمانی که آن‌ها ترامپ و همراهانش را در آغوش می‌کشیدند، تانک‌ها و هواپیماهای یهود هر روز جان صدها کودک، زن و مرد غزه را می‌گرفتند!

از الله سبحانه‌وتعالی می‌خواهیم که این صحنه‌ها که امت در این سفر دید، همان «کافلی» باشد که کمتر شتر را می‌شکند؛ تاخی و دردی که امت هنگام مشاهده این تصاویر حس کرد به آتشی تبدیل شود که حکام را بسوزاند و تخت‌های پوسیده آنان را سرنگون کند.

نیز اعلام کرد که ارتش ۲۶ تأسیسات نظامی را بمباران کرده و ده‌ها پهباد را بر فراز شهرهای اصلی از جمله دهلوی-نو به پرواز درآورد است (اسکای نیوز، ۲۰۲۵/۵/۱۰). این‌گونه به نظر می‌رسد که پاکستان توانایی انجام حمله‌ای بزرگ و گسترده و شکست هند را داشت، اما وابسته به آمریکا است که اجازه چنین نبردی و وارد کردن شکست قاطع به هند را نمی‌دهد تا مبدا نمایندیه خود، مودی، ساقط شود. با وجود آنکه آمریکا با فشار بر رژیم وابسته‌اش در پاکستان این کشور را به پاسخ محدود واداشت، اما آنچه از این پاسخ محدود آشکار شد گویای دلوری سربازان مسلمان پاکستان و شتاب آن‌ها در نبرد است؛ تا جایی که علی‌رغم هم‌دستی رژیم پاکستان با آمریکا و محدودیت در تحرک ارتش، این ارتش مسلمان به دشمن مشرک خسارات قابل‌توجهی وارد کرد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد و همه این وقایع باعث شد آمریکا همان‌گونه که در آغاز درگیری‌ها آن‌ها را کلید زده بود، آن‌ها را خاتمه دهد و به توقف تعرض هند روی آورد و استراتژی نبرد را به حیل سیاسی و مذاکراتی میان دو رژیم وفادار به خود، یعنی هند و پاکستان، تغییر دهد تا برای همه آنچه در تجاوز نظامی به دست نیامد، از طریق سازگار سیاسی تحقق یابد.

۳- بنابراین پس از چهار روز از آغاز حمله هند، در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۱۰ آتش‌بس به دستور آمریکا آغاز شد. رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، در همان روز در پلتفرم تروث سوشیال نوشت: «بعد از یک‌شب طولانی مذاکرات به‌واسطه ایالات‌متحده، مایه خوشحالی من است که اعلام کنم هند و پاکستان بر سر آتش‌بس جامع و فوری توافق کردند. این دو کشور را به‌خاطر انک، به منطق سلیم و هوش کم‌مانندشان تبریک می‌گویم. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم»- وزیر امور خارجه آمریکا، مارکو رابو، نیز در پلتفرم ایکس در ۲۰۲۵/۵/۱۰ گفت: «دولت‌های هند و پاکستان بر سر آتش‌بس فوری و آغاز مذاکرات در مورد دامنه وسیعی از مسائل در محل بی‌طرف کرده‌اند» وی افزود که او و معاون رئیس‌جمهور، جی.دی. ونس، در دو روز گذشته با نخست‌وزیر هند، نریندرا مودی و نخست‌وزیر پاکستان، شهباز شریف و وزیر خارجه هند، سوربامانیام جایشانکار و رئیس ستاد ارتش پاکستان، عاصم منیر و مشاوران امنیت ملی هند، آژیت دوال و پاکستان، عاصم ملک، همکاری کرده‌اند تا به این توافق دست یابند. این یعنی آمریکا دلاوری ارتش پاکستان را نادیده گرفت، زیرا وفاداری فرماندهان آن را تضمین‌شده می‌دانست و نگران بود ادامه جنگ موجب تضعیف جایگاه مودی‌شود؛ بنابراین دستور داد به جنگ پایان

مودی کوشیده است این معاهده را مجدداً مذاکره کند و دو کشور تلاش کرده‌اند برخی اختلافات خود را درباره حجم حوزه ذخیره آب در نیروگاه‌های کیشانگانگ و راتل انرژی آبی در دیوان دائمی داورى لاهه حل کنند...» (عربی‌۲۱، ۲۰۲۵/۵/۴/۷) شایان ذکر است که توافقنامه آب‌های هند (ISA) معاهده‌ای برای توزیع آب میان هند و پاکستان است که تحت نظارت بانک جهانی تنظیم و مذاکره شد و در نوزدهم سپتامبر ۱۹۶۰ در شهر کراچی به امضا رسید. در این معاهده به پاکستان حقوق بهره‌برداری از آب سه رود در بخش غربی حوضه سند (رود چناب، رود بیاس و رود سند) اعطا شد و هند کنترل کامل آب سه رود شرقی (رود ستلج، رود بیاس و رود رافلی) را حفظ کرد.

دو گروه‌های جهادی در کشمیر که باعث نگرانی هند بودند و آمریکا خواست در این منطقه درگیری‌ای ساختگی ایجاد کند تا بهانه‌ای باشد برای حمله هند به ریشه‌های این گروه‌ها در کشمیر و جلب مشارکت نظام پاکستان در حمله به این گروه‌ها در داخل پاکستان. این امر در دو مرحله انجام شد:

مرحله اول، ساختن حمله‌ای در کشمیر و نسبت‌دادن آن به این گروه‌ها تا بهانه‌ای فراهم شود برای عملیات نظامی گسترده علیه مراکز آنان در پاکستان و علیه ریشه‌هایشان در کشمیر و علیه مسلمانان آن منطقه با هدف کشتن یا تبعیدشان به بهانه حمایت‌شان از این گروه‌ها، همچنان‌که به‌ویژه در غزه مردم را به بهانه حمایت از مقاومت قتل‌عام می‌کنند؛ سپس نظام پاکستان در تنگنا قرار گیرد و از حمایت کشمیر بازماند. زیرا عامل حمله این گروه‌ها معرفی شده‌اند.

بدین ترتیب، هند به دستور آمریکا این حمله ساختگی را در کشمیر آغاز کرد و دلیل آن: حمله‌ای که هدف آن در دستگاران وادی باپساناران در منطقه باهالقام در کشمیر تحت اداره هند بود و هند مدعی شد توسط گروه مسلح با حمایت پاکستان انجام‌شده است اگرچه پاکستان این ادعا را رد می‌کند در بیست‌ودوم آوریل ۲۰۲۵ رخ داد، درست زمانی که «جی.دی. ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در دهلوی-نو حضور داشت. «جی.دی. ونس» امروز دوشنبه وارد هند شد تا در طول چهار روز اقامتش با نریندرا مودی، نخست‌وزیر هند، گفتگو کند (خبرگزاری برین، ۲۰۲۵/۴/۲۱). هند در همین مدت اقدامات اولیه علیه پاکستان، از جمله تعلیق معاهده نهر سند را اجرا کرد که نشان‌دهنده هماهنگی میان آمریکا و هند است و نمی‌توان آن را صرفاً تصادفی دانست.

سرعت عمل دولت هند در متهم کردن پاکستان تنها چند دقیقه پس از وقوع حمله در بیست‌ودوم آوریل و پیش از آغاز هرگونه تحقیق رسمی، با وجود درخواست پاکستان برای انجام تحقیقات بین‌المللی و پوشش رسانه‌ای هند که به‌سمت «جبهه مقاومت (TRF)» جهاد وابسته به لشکر طیب (LET) را مسئول «حرفی کرد، درحالی‌که آن سازمان نیز پس از پذیرش مسئولیت در شبکه‌های اجتماعی و سپس انکار آن با ادعای هک شدن صفحات، همه نشان می‌دهد این عملیات «مصنوعی» بوده است (وب‌سایت ۲۴، ۲۰۲۵/۵/۳۰).

سپس مرحله دوم آغاز شد، هند شامگاه ۲۰۲۵/۵/۱ حمله‌ای موشکی علیه پاکستان انجام داد و به بخش پاکستانی کشمیر بسنده نکرد، بلکه اهدافی در ایالت پنجاب را نیز مورد اصابت قرار داد و پاکستان در پاسخ به حمله هند هیچ هدفی را در داخل این کشور موردحمله قرار نداد و به درگیری‌های مرزی و ساقط‌کردن تعدادی هواپیماهای هندی در مرزها اکتفا کرد، هند نیز برای کاهش اثرات حمله بر پاکستان ادعا کرد که به اهداف ارتش پاکستان حمله نکرده و تنها «تروریست‌ها» را هدف گرفته است. (تاوینزیون العربیه، ۲۰۲۵/۵/۷) درگیری‌ها میان دو طرف تشدید شد، (درگیری‌های شدید در طول خط کنترل کشمیر میان نیروهای هندی و پاکستانی رخ داد و صدای انفجارها در طول خط کنترل شنیده شد درحالی‌که گزارش‌هایی از کشته‌ها منتشر شد، به گزارش رسانه‌های هندی... (العربیه، ۲۰۲۵/۵/۹) و هند سقوط هواپیماهای خود را تأیید کرد و از ۳ کشته‌شدن ۷ غیرنظامی در کشمیر تحت کنترل خود بر اثر حملات پاکستانی خبر داد. پاکستان اما اعلام کرد که ۵ فروند هواپیماهای هندی از جمله ۳ فروند رافال فرانسوی و همچنین ۲۵ پهباد ساخت رژیم یهود را سرنگون کرده است و شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، گفت: «می‌توانستیم در پاسخ به حمله هندی که مواضع پاکستان را هدف گرفته بود ۱۰ فروند جنگنده هندی را ساقط کنیم اما فرماندهان ارتش خودداری کردند و تنها ۵ فروند را سرنگون کردند» (الشرق‌الآخبار، ۲۰۲۵/۵/۷). احمد شریف چودهری، سخنگوی ارتش پاکستان،

۳- این امر اقتضا می‌کرد که از یکسو از هند با ابزارهای قدرت نظامی و اقتصادی حمایت شود و از سوی دیگر مشکلات هند با پاکستان به هر دو نظام به آمریکا وفادار وابسته هستند، حل گردد تا هند بتواند تمام تمرکز خود را به‌مسوی چین معطوف نماید؛ اما چنین اول: آمریکا هند و ارتش آن را با تمامی وسایل، مانند انتقال فناوری هسته‌ای آمریکا به هند، حمایت کرده است و موضوع مواجبه با چین در جریان دیدار ترامپ با نخست‌وزیر هند در واشنگتن، با قوت حاضر بود؛ (رهبران همچنین تقویت «ائتلاف چهارجانبه» امنیتی در منطقه آسیا و اقیانوس آرام که ژاپن، استرالیا و نیز در برمی‌گیرد را موردبحث قرار دادند. قرار است هند در ادامه اسامال میزبان سران این گروه باشد که به‌معتوان وزنه‌ای برابر با فعالیت نظامی فزاینده چین در نظر گرفته می‌شود. روترز، ۲۰۲۵/۵/۱۴).

اما چنین دوم، برجسته‌ترین این مشکلات بود: آن نیروهای پاکستانی مستقر در مرز مانع انتقال نیروهای هندی به جبهه چین می‌شوند و بنابراین آمریکا پاکستان را به انتقال نیروهایش از مرز هند به مناطق قبیله‌ای و زیرستان برای مبارزه با حرکت طالبان پاکستان و در بلوچستان برای رویارویی با ارتش آزادی‌بخش بلوچستان و به مرز افغانستان سوق داد تا هند بتواند آذرانه در مواجبه با چین حرکت کند و نیروهایش را به مرز چین منتقل نماید، به‌جای آنکه در مرز پاکستان مستقر باشند. سپس آمریکا از پاکستان خواست آزرده‌نده امنیت‌یاز پایایی به هند باشد تا تسهیل خروج هند از درگیری با پاکستان و معطوف ساختن آن به رویارویی با چین صورت گیرد و برای همین، همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، پاکستان بسیاری از لشگرهای نظامی خود را از مرز با هند منتقل کرد و آن‌ها را در درگیری‌های داخلی پاکستان علیه گروه‌های جهادی بکار گرفت و وارد درگیری با حرکت طالبان در افغانستان شد. به‌منزاعه بر سر کشمیر، هند آن را به تصمیم مورخ ۲۰۱۹/۸/۱۸ منجمه کرد...تقیم در پاسخ سؤال ۲۰۱۹/۸/۱۸:

پس از مدت کوتاهی از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت بوش بر هند متمرکز شد و بخش عمده‌ای از اقدامات آمریکا با هدف پر کردن شکاف نظامی میان هند و چین طبق برنامه‌های هند... در از جمله توافق هسته‌ای آمریکا با آمریکا... هند آمریکا رفته بود که تنش‌ها بر سر کشمیر میان هند و پاکستان به تضعیف مواجبه هند با چین می‌انجامد و برای غلبه بر این تنش‌ها، ایالات‌متحده روند عادی‌سازی روابط میان هند و پاکستان را آغاز کرد که هدف از این عادی‌سازی خنثی‌سازی درگیری میان نیروهای هندی و پاکستانی بر سر کشمیر و در نهایت هدایت تلاش‌ها به همکاری با آمریکا برای مهار معود چین بود. آمریکا تصور می‌کرد الحاق کشمیر به هند و فشار بر دولت پاکستان برای ممانعت از بازبینی نظامی آن و انتقال موضوع به میز مذاکره، مسئله را خاتمه می‌بخشد و مانع درگیری نظامی میان آن دو می‌شود، همانند وضعیت حکومت عباس در فلسطین و کشورهای عربی پیرامون آن‌که بدون درگیری نظامی با دولت یهود باقی‌مانده‌اند درحالی‌که فلسطین در اشغال و منجمه کرده‌اند؛ همین‌گونه فلسطین طرح منجمه‌سازی جامو و کشمیر و تغییر جمعیت‌ساختی آن را آغاز کرد و سپس در ۲۰۱۹/۸/۵ داده ۳۳۰۰ قانون اساسی مبرو به کشمیر را لغو کرد. گمان آمریکا بر این بود که الحاق، مسلمانان کشمیر را از یاد خواهد برد و هند به پاکستان بدون مشکل با یکدیگر خواهند بود، با این فرض که هر دو نظام در حال حاضر در مسیر آمریکا حرکت می‌کنند؛ و اگر یکا با هند فراموش کرد یا نادیده گرفت که کشمیر در قلب مسلمانان است و به اذن‌الله سبحانه‌وتعالی بازخواهد گشت...

ج- مشکل تقسیم آب با پاکستان: زیرا هند می‌خواهد در توافقنامه آب‌های سند مصوب ۱۹۶۰ بازنگری کند، هند سال‌هاست با بهانه رشد سریع جمعیت خود تقاضای بازبینی این توافقنامه است که با میانجی‌گری بانک جهانی و پس از نه سال مذاکره به امضا رسید، درحالی‌که پاکستان هرگونه مذاکره مجدد را رد می‌کند. روزنامه India Today به نقل از منابع مطلع گزارش داد «هند جریان آب از سد باغلیهار در رود چناب به پاکستان را متوقف کرده است. روزنامه همچنین اشاره کرد که هند در نظر دارد جریان آب از سد کیشانگانگ بر روی رود جلمو را نیز قطع کند» (آنا‌تولی، ۲۰۲۵/۵/۵) با توجه به این تعلیق یک‌جانبه توافقنامه توسط هند و اصرار طولانی‌مدت بر بازنگری آن، می‌توان اقدام دولت هندی به تعلیق توافقنامه پس از حمله باهالقام را تلاشی برای اعمال فشار بر پاکستان و وادارکردن آن به پذیرش بازبینی دانست. «در سال‌های اخیر، دولت تارندرا

نشدتهای عربی توطئه و سرابی یشی

دکتر عبد الاله محمد –ولایت اردن

درحالی‌که جنایات و جنگ‌های یهود علیه مردم ما در فلسطین، لبنان، سوریه و یمن شعلور است، گروهی ذلیل و خوار در پایتخت عراق، بغداد، گرد هم آمده‌اند تا در سی‌وپه‌ارمین اجلاس عادی قلمه‌های عربی علیه اسلام و مسلمانان توطئه کنند. این سی‌وسه اجلاس که از زمان

تأسیس اتحادیه کشورهای عربی توسط بریتانیا آغازشده و سپس آمریکا بر آن نفوذ کرده، آشپزخانه‌ای برای توطئه علیه امت و مسائل آن و راهی برای استثمارگران کافر است تا اراده و پروژههای خود را در منطقه اجرا کنند. تصمیمات این اجلاس‌ها ضعیف، بی‌اثر و غیرقابل اجرا هستند و جز خیانت و ویرانی امت اسلام نتایج‌ای ندارند. ای شبه‌مردان بی‌ارادگی زمانه، تقریباً چهارصد میلیون مسلمان در ۲۲ کشور پراکنده‌اند و بر بیش از ۱۳/۵ میلیون کیلومترمربع مساحت و با منابع طبیعی عظیم، اعتقاد مشترکی دارند که از آن نظامی برمی‌خیزد که تمام جنبه‌های زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و اینک نزدیک به دو میلیارد مسلمان در انتظارند که متحد شوند در نظام، موجودیت و رهبری واحدی که آن‌ها را رهبری کند و بار دیگر سروران جهان شوند.

اما شما با اظهارات ناخردانه‌تان، ما را به پایین‌ترین ملته‌ها سقوط داده‌اید، سرزمین‌های مسلمانان به میدان جنگ، قتل، ویرانی، آوارگی، فقر و چپاول تبدیل‌شده است، شما هیچ قدرتی برای تغییر وضع موجود ندارید و جرات تصمیمی را ندارید که برخلاف خواست اربابان‌تان باشد و اگر تصمیمی گرفت‌اید، قریب و شرابی بیش نیست تا خطرات بزرگتر را بپوشانید یا شوم مردی را خاموش‌کنید و روحیه‌شان را ضعیف کنید.

شما بی‌ایستابان و نوبه‌پاشان غرب کافر هستید که ما به مستعمره کرده، تقسیم نموده و حفظ کرده است

که پراکنده‌کنی‌ها ادامه یابد و از اتحاد و بازگشت به سرچشمه عزت و قدرت ما جلوگیری کند. این شست‌ها تنها محکومیت، نکوشش، التماس به‌نظام بین‌المللی، پذیرش فروش فلسطین و مردم آن، توطئه، خیانت و خوار۱ چندین برابر است. شما جهت مسلمانان را از راهکار عملی و مؤثر برای حل مسائل و مشکلاتشان منحرف می‌کنید. شما هادستان پیشینیان‌تان خائید و در طول تاریخ توطئه کرده‌اید، هادستان شاور الفاشی به بیت‌المقدس را به ملییان واگذار کرد و تنها مشیر بود که وجود او و توطئه‌هایش را پایان داد. فضیلت و عزت برای کسانی است که قدر فلسطین و تقدس آن، عظمت خون مسلمانان و کرامت آنان را می‌شناسند؛ شما از آن‌تان نیستید، شما خیانت کرده‌اید و در مسیربان بین‌المللی‌خوردید. امت بر شما امید ندارد و از شما گدشته است و پیروان شما نیز فقط کسانی‌اند که

بیش از آنکه بدین‌شان را بغرضشان، دنیا و مایه‌تاج آن را به قیمت خردی از شما خریدند. «فختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة وولهم عذاب عظیم» (الله سبحانه‌وتعالی مهر بر دل‌ها و پایشان نهاده و بردهای بر دیدگانشان زده است و برای آن‌ها عذابی بزرگ خواهد بود).

ای مسلمانان، این گروه ذلیل که امنیت موجودیت کثیف رژیم یهود را اولویت خود قرار داده‌اند، در خدمت آن به رقابت برخورداید. هر اثری نیز دارد از خدا، دارو و انرژی به آن می‌رساند اما مردم فلسطین، جاهدان و شاولشان را مشأاً متکفل می‌دانند، جاهدشان را تروریسم می‌خوانند و درمسند شکست دادن آن‌ها و مجبور کردن‌شان به تسلیم با پوشش پایان خونریزی، بازسازی و سخنان پیوده درباری و دولت و قطعه‌های

بین‌المللی هستند. الله سبحانه‌وتعالی دشمنان را لعنت کند که گمراه‌شان ساخته است!

ای مسلمانان، آیا ندیده‌اید چگونه این حکام ذلیل، بارها و بارها از سوی آمریکا و یهود تغذیه‌شده، ولی جتی پلک هم نزنند؟ چگونه در قسق و فجور خود افرار کردند و با گستاخی تمام در سرزمین حرمین، ترامپ دشمن اسلام را تغییر دهند.

ای اهل شام، هوشیار باشید و از کسانی که به فداکاری‌ها و خون شهیدان شما خیانت می‌کنند، بر حذر باشید.

هر که درباره آنچه در عربستان با حضور بن سلمان و با تأیید اردوغان که نفوذ و سخن ناپای را بر دولت جدید سوره دارد، تأمل کند، به‌خوبی دریابد میزان لغزشی که در آن گرفتارشد‌ه‌ایم و چاله بزرگی که در آن افتاده‌ایم چقدر خطرناک است و اینکه چگونه سرزمین ما فروخته‌شده و منابع ما به‌ویژه نفت و گاز که متعلق به مردم است، غارت خواهد شد و هیچ کس حق ندارد بداندخواه خود درباره آن‌ها تصمیم بگیرد. رشایت به پیوستن به «توافقنامه‌های اسلام» و پذیرش ایدئاساتی روابط با رژیم یهود که مردم ما در غزه و جاهای دیگر می‌گویند، مقدمات ما را اشغال کرده و مسجدالاقصی را مورد تجاوز قرار می‌دهند، فاجعه‌ای بزرگ و گناهی عظیم نزد الله سبحانه‌وتعالی و بدنگان راستین است.

آنچه رخ‌داده از همه جهات بسیار خطرناک است و نباید در آن گرفتار شویم، بلکه باید آن را نفی کنیم و نسبت به پیشروی در اش‌هشار دهیم، به‌ویژه پس از شناخت طرف‌های آن، بازپخش‌شان نسبت به ما و نقش خطرناکشان در اشغال و شام ما. ای مادیفون در سرزمین‌شان، چگونه بسیار چاقی است و باید هوشیار باشیم و خیانت به خون شهیدان و فداکاری‌های مردم خود را روا نداریم؛ که همه این‌ها تنها برای برپایی حکومت اسلامی بر ویرانه‌های نظام گذشته انجام‌شده است، پس باید در حد خون‌های ریخته‌شده و فداکاری‌های انجام‌شده باشیم، پیش از آن روز که پشیمانی سودی ندهد.

ای سربازان مصر کنانه، آیا وقت آن نرسیده که مواضع خود را بازنگری کنید؟

ای سربازان کنانه، آیا شما از ملت خود دفاع می‌کنید یا مانع قلمه روزی و عرمه‌های بیان آن‌ها هستید؟ ارتش ملک فرماندهان نیست، بلکه امت است، شمشیر و سپر آن است؛ اسلام آن را به نیرویی برای توانمندسازی تبدیل کرده، نه ابزاری برای حمایت از ستمگران. ما مبادقانه از شما دعوت می‌کنیم که بمصف امت بازگردید، برای نصرت دین الله سبحانه‌وتعالی برخیزید و به پروژه امت یعنی خلافت راشد پیوسته و حمایت کنید؛ زیرا شما اهل باری، قدرت و توانمندی هستید و انتظار می‌رود مانند امت‌ان گذشته نصرت را ارانه دهید. بحران مصر تنها اقتصادی نیست، بلکه بحران نظامی سکولار، سرمایه‌داری، فاسد و مزدور است. درمان این بحران به ما وصل‌پیشنه این نظام، نه با تغییر افراد و نه با مذاکره با جلادان ماست؛ بلکه درمان اساسی برپایی دولت اسلامی است که نظام اقتصادی شرعی و قادر به تأمین عدالت و کفایت را اجرا کند؛ دولت خلافت راشد دوم بر منبج نبوت که متدوین بین‌المللی پول و تمامی مؤسسات کفر را از سرزمین ما بیرون کند، بر اسلام حکم براند، عدالت را بازگرداند، قدرت را به بنا کند، کرامت را حفظ کند و دست استثمارگران را برای همیشه از سرزمین کنانه قطع کند. آیا پاسخگوی دعوت الله سبحانه‌وتعالی هستید؟

درگیری‌های طرابلس غرب در سایه صحنه لیبی

استاد احمد المذهب

می‌کنند، از شرق کشور و زیر کنترل وابستانگان حفر هستند. همچنین معلوم شده افرادی مسلح در میان معترضان نفوذ کرده‌اند و برخی از آن‌ها برای تشدید تنش‌ها از سلاح استفاده کرده‌اند که منجر به کشته شدن یکی از نیروهای امنیتی شده است. در یکی از تظاهرات شعارهایی با نام «سیف القذافی» سر داده شد که بدون شک نشان‌دهنده نقش هواداران نظام سابق در سازماندهی تظاهرات است. وزیر سابق و همیشگی اقتصاد، محمد الحویج که از دوران قذافی حضور داشت، اخیراً استعفا داده تا تلاش سازمان‌یافت‌ه‌ای را پیش ببرد. اما پس‌ازاین مرور سریع اتفاقات داخلی، باید به ۱. تظاهرات سازمان ملل متحد بیانیه‌ای صادر کرده به عنوان «دعوت به حمایت از حقوق تظاهرات را ۲. ادعاهاست مسالمت‌آمیز».

۳. دواغذا کفتری بین‌المللی به موضوع ناپدیدشدن‌های اجباری چند نفر، از جمله اعضای مجلس نمایندگان طبق مانند تفانیده ابراهیم الدرسی که بیش از ۱۵ روز ناپدید بوده و نماینده سهام سرقیوه که بیش از دو سال ناپدید شده، برده» برپرسی قرار داده. همچنین زنی با نام «عوز بوقه» که با صدای بلند دیه حفر سخن می‌گفت، روزی در روشن در خیابان به قتل رسید.

۳. درخواست برای تحویل افسر اسامه نجیم که در ایتالیا بازداشت و سپس آزاد شده، هرچند حکم بازداشت بین‌المللی علیه او به جرم قتل و شکنجه صادر شده است. این افسر بیانیه‌ای در نظام سابق و افسر امنیت داخلی دوران قذافی است و اکنون تحت پوشش شبه‌نظامیان بازدارنده فعالیت می‌کند.

اغلب اوقات، حوادث برخلاف خواسته‌های برنامهریزان پیش می‌رود. به نظر می‌رسد که کشته‌شدن عبدالفتی الکلی، رئیس دستگاه حمایت از ثبات، تصادفی بوده و نتیجه مشاجره‌ای بوده که میان او و محمود حصره و عماد الطرابلسی روی داده است. این کشته‌شدن روند متعصب «ابوسلیم»، مقرر الکلی را تسریع کرد. برخی از پاران و مستولان به به بازاز محکم که تحت کنترل دستگاه بازدارنده است برگرفته و به سمت کردان ۲۴۴ تیراندازی کردند که تنش‌ها را افزایش داد. سایر فرماندهان شبه‌نظامی در زاویه، رشافته، تاجوره و مناطق دیگر نیز فهمیدند که ممکن است هدف پاکسازی قرار بگیرند و بنابراین با دستگاه بازدارنده و قاریان‌ده‌های حمایت از ثبات متحد شدند. روند نظری می‌رسد بهتر است مدتی میر کنیم و بعد از آن زمان در زیر نظر بگیریم، چرا که قضاوت در کشور با ۲۵ میلیون قبیضه سلاح سبک در دست مردم و بیش از ۸ میلیون جمعیت و ده‌ها هزار سلاح گمنام در دست شبه‌نظامیان، کار آسانی نیست. به گمان من سرعت تحولات حتی از برخی کشورهای بزرگ‌تر که لیبی را در کانون توجه قرار داده‌اند نیز بیشتر است؛ هرچند این اخبار متناقض است، اما بهرحال نشان می‌دهد اوضاع به گذشته بازخواهد گشت و تحولات در حال شتاب گرفتن است. مشاهد‌شده که بیشتر مفتحات شبکه‌های اجتماعی که مردم را به اعتصاب و تظاهرات دعوت

قوانین مالی جدید در کنیا مردم این کشور را از فلاکت اقتصادی نجات نخواهد داد

در طرح قانون مالی سال‌های ۲۰۲۵/۲۰۲۶ که به مجلس ارائه‌شده و از سوی نظام به‌عنوان محرکی اقتصادی تومیفشنده است، هیچ مالیات جدیدی وضع نخواهد شد و مالیات‌های فعلی نیز افزایش نمی‌یابد. دولت تمرکز خود را بر مدیریت بهتر مالیات‌ها گذاشته و قصد دارد شکاف‌ها را پر کرده و کارآمدی جمع‌آوری مالیات را تقویت کند. این طرح قانون همچنین تلاش دارد از افزایش مالیات مالیات جلوگیری کند و پیشنهاد معافیت برخی کالاهای را می‌دهد که هم‌اکنون معاف از مالیات بر ارزش افزوده هستند. وزیر اقتصاد این زمینه، سنگتوخی التاجنیر در کنیا، استاد شعبان معلم، در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: هدف ما معافیت از مالیات بر ارزش افزوده، یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی نشان‌دهنده این واقعیت آشکار است که ریشه زندگی فلاکت‌بار تنها در مالیات‌ها نهفته است. علاوه بر این، این اقدامات جدید صرفاً تزیینی بوده و نشانه‌ای دیگر از تناقض در اقتصاد سرمایه‌داری است. از یکسو، مالیات‌ها به‌عنوان ابزار خودانگیزی دیده می‌شوند و از سوی دیگر، معافیت‌های مالیاتی تسهیل اقتصاد شمرده می‌شوند؛ بااین‌حال، مالیات‌ها در واقع وسیله‌ای برای حفظ ارزش پول کاغذی و ماهیت سخت اقتصاد از طریق اجبار دولت هستند. این قانون نشان‌دهنده اشتباه سیاست مالیاتی در مدل اقتصادی سرمایه‌داری است که منبع اصلی درآمدهای دولت است. در اقتصاد سرمایه‌داری، مالیات‌ها ضرورت اقتصادی برای حفظ نظام پولی کاغذی و دوران تجارت هستند، نه برای حمایت از اقتصاد و معیشت مردم عادی. ایشان افزود: راحل ریشم‌های مشکلات اقتصادی در کنیا و سراسر جهان از طریق مالیات‌ها، قرض گرفتن با ربا یا تدوین قوانین مالی جدید به دست نخواهد آمد. تنها اسلام است که پاسخگوی تمامی مسائل اقتصادی است.

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً شَنْكَاً»

زمانی که امت اسلامی از منبج الله سبحانه‌وتعالی خود فاصله گرفت و از اجرای شریعت او دست برداشت، الله سبحانه‌وتعالی لباس ترس و سنگینی را بر آن‌ها پوشاند؛ پس آن‌ها خود را کوچک‌شردند و در فقر و ندگسنتی زندگی کردند. الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً شَنْكَاً» و هر کس از یاد من روی گرداند، ندگی سخت و تنگدستی برای او خواهد بود. در نتیجه، زندگی آن‌ها پر از لذت، ذوق، حرمیعت، صف، شکست و ناامی‌ها و دیگر از امتیاز و آزارش برخوردار نبودند. به خاطر همین، خائبر و شامه‌های عزت، کرامت، پیروزی و قدرت در ذهن و زندگی‌شان حوش و شد و به عقب بازگشتند. دشمن کافر و استعمارگران ندانه آن‌ها را ذلت کرد، سرزمین‌شان را اشغال نمود، کارماتشان را لکمال کرد، مقدساتشان را آلوده ساخت، ناموس‌شان را نقض کرد و فروت‌ها و منابع‌شان را به غارت برد. سپس حاکمان بی‌کفایت، ذنان و خائن را بر آن‌ها گمارد که احکام ستمگران را اجرا کنند. این حاکمان در رقابت برای رشایت دشمنان خود بودند تا بر قدرت پایش مانند و بر سر مقدس را به نفع یهود واگذار کردند. تمام این‌ها و بیش از همه، نتیجه بود حاکمیت اسلام بود؛ برای بازگشت به دوران شکوه و عزت گذشته، امت ناگزیر است به دین پاک بازگردد. زیرا وضعیت کنونی جز با بازگشت به آغاز فویش اصلاح نخواهد شد. رسول‌الله صلی‌العلیه‌وآلهم‌وسلم فرمود: «من در میان شای چیزی باقی گذاشت که اگر به آن چنگ زند هرگز گمراه نخواهد شد؛ کتاب الله سبحانه‌وتعالی و سنت من». برای تحقق این هدف، امت باید با مخلصان همراه شود تا حاکمیت اسلام را دوباره برقرار کند. با برپایی دولت خلافت راشد بر منبج نبوت.